

ارائه‌های علمی انگلیسی و فارسی: بررسی چگونگی تفکیک مطالب مهم از کم‌اهمیت در پیکره های سخن و بیس

زهرا کیوانلو شهرستانی^۱، جواد زارع^۲،

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۳

تاریخ تصویب: ۹۵/۷/۷

چکیده

هدف از انجام این پژوهش پیکره محور بررسی چگونگی تفکیک مطالب مهم از کم‌اهمیت در ارائه‌های علمی انگلیسی و فارسی است. به‌طور خاص، این تحقیق کوشیده نشانگرهای مطالب مهم را از نظر نقش در کلام دسته‌بندی نماید. انجام این تحقیق با استفاده از یک روش تحقیق ترکیبی صورت گرفت. در این تحقیق ۱۶۰ ارائه موجود در پیکره بیس و ۶۰ ارائه موجود در پیکره فارسی سخن برای پیدا کردن نشانگرهای مطالب مهم مورد بررسی قرار گرفت. سپس این نشانگرها از لحاظ نقش در کلام طبقه‌بندی شدند. نتایج این تحقیق نشان داد که صرف‌نظر از زبان، انگلیسی یا فارسی، تفکیک مطالب مهم از کم‌اهمیت در سخنرانی‌های علمی با استفاده از ۵ نقش کلامی متشکل از سازمان‌دهی کلام، تعامل با مخاطب، پوشش موضوع، وضعیت مطلب، و ارتباط با امتحان صورت می‌پذیرد. علاوه بر این نتایج نشان داد تفکیک مطالب مهم از کم‌اهمیت لزوماً با استفاده از تنها یک نقش کلامی صورت نمی‌گیرد. افزون بر این، یافته‌ها نشان داد نشانگرهای پوشش موضوع، اهمیت مطلب را فقط به‌طور ضمنی نشان می‌دهند. همچنین، تعامل با مخاطب بیشترین شمار نشانگرهای اهمیت مطالب را در ارائه‌های انگلیسی و فارسی به خود اختصاص داده است. در کل، نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد تفکیک مطالب مهم از کم‌اهمیت در ارائه‌های کلاسی انگلیسی و فارسی در بیشتر موارد مستلزم سوق دادن کلام به مخاطب است. به‌عبارت‌دیگر، ارائه‌دهندگان بیشتر تمایل دارند برای نشان دادن مطالب مهم با مخاطب تعامل داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: مطالب مهم، نقش در کلام، پیکره، پیکره محور، ارائه علمی انگلیسی، ارائه علمی فارسی

^۱ کارشناسی ارشد مربی ۰۹۱۵۳۷۲۳۳۲۵ دانشگاه صنعتی اسفراین، keyvanlo@esfarayen.ac.ir

^۲ دکترای تخصصی سایر ۰۵۸۳۷۲۲۰۴۳۰ دانشگاه صنعتی اسفراین، javadzare@gmail.com

امروزه آموزش عالی حول محور ارائه علمی^۳ می‌چرخد. اهمیت ارائه علمی در آموزش عالی از دو جهت است. از یک‌سو، ارائه علمی به یک روش سریع و کارآمد برای آموزش تعداد زیادی از دانشجویان در یک رشته خاص تبدیل شده است. در حال حاضر سخنرانی علمی روش تدریس اصلی در دانشگاه است که از طریق آن مدرسان دانش نظری خود را به مخاطب ارائه می‌دهند (کانراد، ۲۰۰۴؛ کرافورد کمیسیوتلی، ۲۰۰۷؛ لی، ۲۰۰۹). به‌عبارت‌دیگر، موفقیت مدرسان دانشگاه در زندگی حرفه‌ای به انجام موفقیت‌آمیز این کار بستگی دارد. از سوی دیگر، دانشی که دانشجویان از ارائه علمی به دست می‌آورند بخش اعظم ارزیابی پایان‌ترم را تشکیل می‌دهد (سادلند و بجر، ۲۰۰۴) است. با توجه به توزیع متراکم اطلاعات صوتی و بصری در سخنرانی‌های علمی، درک کامل ارائه و یادداشت‌برداری از مطالب مهم آن برای مخاطب کاری دشوار است. لینچ (۲۰۱۱) اشاره می‌کند از آنجایی که مخاطبان ارائه بر روی ارائه‌دهنده کنترل ندارند، درک سخنرانی به‌طور کامل برای آن‌ها دشوار است.

بنابراین، تمایز بین اطلاعات مهم و غیر مهم برای درک کارآمد و یادداشت‌برداری مخاطب ضروری به نظر می‌رسد (همچون، براون و باختر، ۱۹۸۸؛ فلاوردو، ۱۹۹۴؛ کیورا، ۲۰۰۲؛ مالیگان و کرک‌پاتریک، ۲۰۰۰؛ لینچ، ۱۹۹۴؛ تایلر، ۱۹۹۲؛ ویلیامز و اگرت، ۲۰۰۲؛ ریول و وین‌رایت، ۲۰۰۹). با این وجود، هم کسانی که انگلیسی‌زبان مادری‌شان است و هم کسانی که انگلیسی‌زبان دوم و یا خارجی آن‌هاست در تفکیک مطالب مهم از غیر مهم ارائه دچار مشکل می‌شوند (لینچ، ۲۰۰۴). البته، این مشکل برای کسانی که انگلیسی‌زبان مادری‌شان نیست وخیم‌تر است. دلایل این دشواری عبارت‌اند از: (۱) دانش زبانی محدود از انگلیسی، (۲) وجود شکاف در دانش شماتیک^۴ آن‌ها، (۳) ناآشنایی با توزیع اطلاعات، شکل و ساختار کلی^۵ ارائه‌های علمی در دیگر فرهنگ‌های دانشگاهی (چاداران و ریچاردز، ۱۹۸۶؛ دیروی، ۲۰۱۵؛ داسزاک، ۱۹۹۷؛ فلاوردو، ۱۹۹۴؛ نسی، ۲۰۰۱؛ اولسن و هاکین، ۱۹۹۰).

تحقیق‌ها نشان می‌دهد عبارات سازمان‌دهنده کلام^۶ بر درک، یادداشت‌برداری و به یاد آوردن مطالب ارائه‌ها تأثیر مثبت (همچون، بیورکمن، ۲۰۱۱؛ یونگ، ۲۰۰۳؛ کیورا، ۲۰۰۲؛ لینچ، ۱۹۹۴؛ تیتسورث و کیورا، ۲۰۰۴). عباراتی که مخاطب را به نکات مهم سخنرانی ارجاع می‌دهد (به‌عنوان مثال، نکته این است که، یادتون باشه که، این اینجا مهمه) نیز مفید هستند. مکچی (۱۹۹۴) خاطر نشان می‌کند مخاطب به دنبال کلمات یا عبارات خاصی می‌گردد که به آن‌ها نشان می‌دهد مطلبی باید توجه شود یا به خاطر سپرده شود. این عبارات با عناوین دیگری همچون نشانگرهای ارتباط یا اهمیت^۷ (کرافورد کمیسیوتلی، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷؛ دیروی، ۲۰۱۴، ۲۰۱۵؛ دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۲)، عبارات اهمیت^۸ (کیورا، ۲۰۰۲)، نشانگرهای تأکید^۹ (یونگ، ۲۰۰۳)، مؤکدها^{۱۰} (باندی، ۲۰۰۸)، تأکید کننده‌ها^{۱۱} (سیپمن، ۲۰۰۵)، نشانگرهای برجستگی^{۱۲} (هینو، تروون و تومولا، ۲۰۰۲)، عبارات انتخاب^{۱۳} (تیتسورث و کیورا، ۲۰۰۴)، و تمرکز کننده‌ها^{۱۴} (سیمپسون، ۲۰۰۴) شناخته می‌شوند.

³ academic lecture

⁴ local contextual schematic knowledge

⁵ macrostructure

⁶ discourse organizational statements

⁷ markers of importance or relevance

⁸ importance cues

⁹ emphasis markers

¹⁰ emphatics

¹¹ emphaziers

¹² saliency markers

¹³ selection cues

¹⁴ focusers

نشانه‌های ارتباط یا اهمیت عبارات واژه-دستوری هستند که اهمیت نکات شفاهی یا بصری ارائه‌شده را آشکارا نشان می‌دهند (دیروی، ۲۰۱۴). برای بیان اهمیت با استفاده از این عبارت، ارائه‌دهنده بایستی یک سلسله‌مراتب از اهمیت مطالب سخنرانی ایجاد نماید (دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۱) و ارزیابی خود را از اطلاعات بر اساس این سلسله‌مراتب اهمیت یا ارتباط ابراز نماید (تامپسون و هانستون، ۲۰۰۰).

با توجه به نکات ذکرشده، دانش چگونگی بیان اهمیت مطالب سخنرانی کاربردی است. به‌عنوان مثال، از این دانش می‌توان برای طراحی دوره‌های آموزشی انگلیسی برای دانشگاه^{۱۵} برای کسانی که زبان مادری غیر از انگلیسی دارند استفاده نمود و آن‌ها را هرچه بیشتر با چگونگی تفکیک نکات مهم از غیر مهم در سخنرانی علمی آشنا نمود. باین وجود، دانش بسیاری در این باره موجود نیست. به‌جز چند مطالعه که به‌طور خاص به این مسئله در ارائه‌های علمی انگلیسی (کرافورد کمیسیوتلی، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷؛ دیروی، ۲۰۱۵؛ دیروی و تاورنیرز، ۲۰۱۲) و فارسی (زارع، اسلامی‌راسخ و دباغی، پذیرفته‌شده) پرداخته‌اند، آنچه ما از این موضوع می‌دانیم به مطالعاتی که در آن‌ها نمونه‌هایی از نشانه‌های اهمیت پیدا شده‌اند (همچون، ادل، ۲۰۱۰؛ تامپسون، ۲۰۰۳؛ چادران و ریچاردز، ۱۹۸۶؛ لین، ۲۰۱۰؛ فلاوردو، ۱۹۹۴؛ بایبر، ۲۰۰۶؛ دیکریکو و ناتینگر، ۱۹۸۸؛ یانگ، ۱۹۹۴) محدود است.

به‌عنوان مثال، کرافورد کمیسیوتلی (۲۰۰۴، ۲۰۰۷) چگونگی پررنگ کردن مطالب مهم را در ارائه‌های علمی انگلیسی بررسی نمود. در نتیجه این مطالعه که مبتنی بر یک پیکره کوچک متشکل از ۱۲ ارائه انگلیسی با موضوع مطالعات بازرگانی و نیز ۱۰ ارائه منتخب از پیکره مایکیس^{۱۶} انجام شد، شش ساختار پیش مرجع^{۱۷} و شش ساختار پس مرجع^{۱۸} برای نشانه‌های ارتباط مشاهده شد. از میان این ساختارها که متشکل از اسامی اشاره، صفات ارتباط، اسم‌های فرازبانی و فعل ربطی بودند، دو ساختار پرتکرارتر بود. این دو ساختار عبارت‌اند از: «ضمیر اشاره - فعل - صفت»^{۱۹} (مثل، این مهم/ است) از میان ساختارهای پیش مرجع، و «ادات معرفه - صفت - اسم - فعل»^{۲۰} (همچون، نکته/ اصلی این است که) از میان ساختارهای پس مرجع. روی هم رفته، ساختارهای پس مرجع بسیار پرتکرارتر از ساختارهای پیش مرجع یافت شدند.

دیگر پژوهشی که در این باره انجام شده مربوط است به دیروی و تاورنیرز (۲۰۱۲) که با بررسی ۱۶۰ ارائه علمی مستخرج از پیکره بیس^{۲۱}، چگونگی بیان اهمیت مطالب در ارائه‌های انگلیسی را بررسی نمودند. برای انجام این مطالعه، دیروی و تاورنیرز از روش تحقیق ترکیبی^{۲۲} استفاده نمودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد، بیان اهمیت در ارائه‌های انگلیسی با استفاده از ساختارهای واژه-دستوری که متشکل از ترکیب‌های گوناگون صفت، اسم، فعل و قید می‌باشند، صورت می‌گیرد. دیروی و تاورنیرز این ساختارها را به پنج دسته بر اساس عنصر اصلی بیان‌کننده اهمیت مطلب تقسیم کردند. این پنج دسته عبارت‌اند از: اسمی، صفتی، فعلی، قیدی و مرتبط با آزمون. پرشمارترین ساختارها در این میان به ترتیب، ساختارهای فعلی «فعل - جمله‌واره»^{۲۳} (همچون، به یاد داشته باشید برده‌داری در حال حاضر منسوخ است) و اسمی «اسم - فعل ربطی»^{۲۴} (همچون، نکته/ این است که) بودند.

¹⁵ English for Academic Purposes

¹⁶ MICASE

¹⁷ retrospective

¹⁸ prospective

¹⁹ DEIC IS ADJ

²⁰ DET ADJ META N IS

²¹ BASE

²² mixed-methods

²³ 'V - clause'

²⁴ MN v-link

در یک مطالعه دیگر نیز دیروی (۲۰۱۵) ساختارهای استفاده شده برای بیان اهمیت مطالب در ارائه‌های انگلیسی را مورد بررسی قرار داد. ولی این بار این عبارات از لحاظ جهت‌گیری^{۲۵} بررسی شده و به دو دسته تعاملی^{۲۶} و متنی (محتوا)^{۲۷} تقسیم شد. ارائه‌های علمی بررسی شده در این تحقیق از پیکره بیس استخراج شده بودند. دیروی دریافت که عبارات نشان‌دهنده اهمیت مطالب با جهت‌گیری‌های متنی، مخاطب، ارائه‌دهنده و مشترک به ترتیب دارای ساختارهای «اسم - فعل ربطی»^{۲۸}، «فعل - اسم/جمله‌واره»^{۲۹}، «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله‌واره»^{۳۰} و «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله‌واره»^{۳۱} می‌باشند. علاوه بر این، دیروی دریافت که از لحاظ موقعیت نشانگر، ساختارهای پس مرجع، پیش مرجع و مشترک به ترتیب از الگوهای «فعل - اسم/جمله‌واره»^{۳۲}، و «اسم - فعل ربطی»^{۳۳}، «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت»^{۳۴}، «ضمیر اشاره - فعل ربطی - اسم»^{۳۵} و «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت - اسم»^{۳۶} و «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله‌واره»^{۳۷} و «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت - اسم»^{۳۸} برای بیان اهمیت پیروی می‌کنند. نتایج مطالعه دیروی همچنین نشان داد بیشتر این نشانگرها به متن (همچون، نکته / این است که) یا مخاطب (به‌عنوان مثال، به یاد داشته باشید که) اشاره می‌کنند. همچنین، دیروی دریافت بسیاری از عباراتی که اهمیت مطالب را بیان می‌کنند محتوا گرا بوده و به شنونده گرایش ثانویه دارند (مثل، این‌ها چیزهایی است که باید به خانه ببرید). علاوه بر این، بیشتر نشانگرهای اهمیت محتوا گرا، از لحاظ موقعیت پس مرجع یافت شدند.

تنها پژوهشی که تاکنون به مسئله چگونگی بیان اهمیت در ارائه‌های علمی فارسی پرداخته است، مطالعه زارع، اسلامی‌راسخ و دباغی (پذیرفته‌شده) است. این مطالعه که مبتنی بر رونوشت ۶۰ ارائه حقیقی فارسی مستخرج از پیکره سخن است با بهره‌گیری از روش تحقیق ترکیبی و یک رویکرد پیکره محور^{۳۹} انجام شده است. نتایج تحقیق زارع، اسلامی‌راسخ و دباغی نشان داد می‌توان از صفات ارزیابی^{۴۰} و اسامی فرازبانی^{۴۱}، ربط دادن مطلب به امتحان و نیز دخیل کردن ارائه‌دهنده یا مخاطب در ارائه برای بیان اهمیت بهره برد. علاوه بر این، نتایج این تحقیق نشان داد همچون ارائه‌های انگلیسی ساختارهای استفاده شده برای بیان اهمیت مطالب در ارائه‌های فارسی را نیز می‌توان در یکی از پنج گروه اسمی، فعلی، صفتی، قیدی و گوناگون دسته‌بندی نمود. مهم‌تر از همه، نتایج این پژوهش نشان داد دخیل کردن ارائه‌دهنده یا مخاطب در ارائه با استفاده از ساختارهای فعلی، از استفاده از روش‌های مستقیم بیان اهمیت همچون صفات ارزیابی نیز مهم‌تر است. همچنین، زارع و همکاران دریافتند نشانگرهای اهمیت پس مرجع^{۴۲} به خاطر اینکه

²⁵ orientation

²⁶ orientation to the participants

²⁷ orientation to the discourse

²⁸ MN v-link

²⁹ V n/clause

³⁰ 1s pers pron V n/clause

³¹ 1s pers pron V n/clause

³² V n/clause

³³ MN v-link

³⁴ deic v-link ADJ

³⁵ deic v-link MN

³⁶ deic v-link adj MN

³⁷ 1s pers pron V n/clause

³⁸ deic v-link adj MN

³⁹ corpus-driven approach

⁴⁰ evaluative adjectives

⁴¹ metalinguistic nouns

⁴² cataphoric

مخاطب را قادر می‌سازند از قبل برای پردازش و یادداشت‌برداری مطالب مهم برنامه‌ریزی کنند، پرشمارتر از نشانگرهای پیش مرجع^{۴۳} هستند.

این مطالعه کوشیده چگونگی تفکیک مطالب مهم از غیر مهم در ارائه‌های علمی انگلیسی و فارسی را بررسی نماید. به طور خاص، هدف از انجام این تحقیق طبقه‌بندی نشانگرهای اهمیت مطالب با توجه به نقش کلامی^{۴۴} آن‌هاست. به عبارت دیگر، می‌خواهیم ببینیم آیا تفاوتی بین انگلیسی و فارسی در نوع و شمار این نقش‌های کلامی وجود دارد یا خیر.

۲. روش تحقیق

در تحقیق حاضر از دو پیکره زبانی به منظور استخراج نشانگرهای اهمیت مطالب استفاده شده است. این دو پیکره عبارت‌اند از: پیکره انگلیسی^{۴۵} بیس و پیکره فارسی سخن^{۴۶}. ۱۶۰ ارائه علمی درج‌شده در پیکره بیس اساس نشانگرهای اهمیت در ارائه‌های علمی انگلیسی را برای این تحقیق تشکیل داد. این سخنرانی‌ها عمدتاً توسط اساتیدی که انگلیسی‌زبان مادری‌شان است ارائه شده و از چهار گروه رشته‌ای هنر و علوم انسانی (ah)، مطالعات اجتماعی (ss)، علوم فیزیکی (ps) و زندگی و علوم پزشکی (ls) انتخاب شده‌اند. از سوی دیگر، از ۶۰ ارائه علمی مندرج در پیکره فارسی سخن نیز برای بررسی چگونگی بیان اهمیت در ارائه‌های فارسی استفاده شد. این سخنرانی‌ها که توسط اساتید مردی که فارسی‌زبان مادری‌شان است ارائه داده شده‌اند از چهار گروه رشته‌ای مهندسی (es)، علوم انسانی (hs)، علوم پایه (bs)، و پزشکی (ms) به تعداد برابر جمع‌آوری و ضبط شده است.

روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق، روش ترکیبی^{۴۷} بود. با توجه به این‌که در ابتدای این تحقیق اطلاعات کمی درباره نشانگرهای اهمیت موجود بود، از طرح اکتشافی^{۴۸} (لودیکو، اسپالدینگ و وگتل، ۲۰۰۶) استفاده شد. بدین معنی که، پس از تجزیه و تحلیل دستی و کیفی^{۴۹} رونوشت سخنرانی‌ها برای پیدا کردن نشانگرهای اهمیت، توزیع کمی^{۵۰} از این نشانگرها در ارائه‌های انگلیسی و فارسی به دست آمد.

در مرحله کیفی مطالعه، در ابتدا یک زیر پیکره متشکل از ۴۰ سخنرانی انگلیسی از پیکره بیس (۱۰ ارائه از هر گروه رشته‌ای) و ۲۰ سخنرانی فارسی از پیکره سخن (پنج ارائه از هر گروه رشته‌ای) ساخته شد. تلاش کردیم سخنرانی‌ها از نظر تنوع موضوع و سطح مطالعه یکسان باشند. در مرحله بعد، رونوشت سخنرانی‌ها به دقت مطالعه شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند تا عباراتی که بیان‌کننده اهمیت مطالب هستند کشف شوند. در اینجا، عباراتی که به پدیده‌های غیر کلامی^{۵۱} اشاره می‌کردند، عباراتی که مشخص نبود در آن مطلب کم‌رنگ شده مربوط به کلام است یا غیر کلام، و نقل قول‌ها و نمونه‌هایی که کلام دانشجو یا شخص ثالث را روایت می‌کرد، بررسی نشد.

⁴³ anaphoric

⁴⁴ discourse function

⁴⁵ پیکره BASE در دانشگاه‌های Warwick و Reading با راهنمایی Hilary Nesi و Paul Thompson ساخته شد. توسعه پیکره با حمایت مادی EURALEX، BALEARP، British Academy و Arts and Humanities Research Council صورت گرفت. این پیکره در Oxford Text Archive با آدرس <http://ota.ox.ac.uk/headers/2525.xml> قابل دسترسی است.

⁴⁶ رونوشت‌های استفاده شده در این مقاله برگرفته از پیکره فارسی سخن است که در پارک علم و فناوری خراسان شمالی با مدیریت جواد زارع و زهرا کیوانلو توسعه یافت. ساخت این پیکره با حمایت مادی و معنوی پارک علم و فناوری خراسان شمالی و مجتمع آموزش عالی اسفراین صورت پذیرفت.

⁴⁷ mixed-methods

⁴⁸ exploratory design

⁴⁹ qualitative analysis

⁵⁰ quantitative analysis

⁵¹ world entity

سپس از عبارات پیداشده در مرحله قبل به‌عنوان کلیدواژه^{۵۲} برای پیدا کردن سایر نشانگرهای اهمیت استفاده شد. مترادفها و مشتقات این واژه‌ها و همچنین دیگر واژگانی که بیانگر اهمیت مطالب بودند به این لیست اضافه شد. پس‌از آن، با استفاده از نرم‌افزار اسکچ‌انجین^{۵۳} و ورداسمیت^{۵۴} (اسکات، ۲۰۱۵) فهرستی^{۵۵} از نشانگرهای احتمالی مطالب مهم مستخرج از کل پیکره بیس و سخن تهیه شد. نرم‌افزار اسکچ‌انجین و ورداسمیت به ترتیب ۲۳،۰۰۰ و ۱۰،۴۰۰ نمونه از نشانگرهای احتمالی اهمیت مطالب را برای ارائه‌های انگلیسی و فارسی استخراج نمود. در مرحله بعد، کلیه این نمونه‌ها توسط نویسندگان این مقاله به‌صورت مجزا بررسی شد تا مشخص شود بیانگر اهمیت مطلب هستند یا نه. در نتیجه این بررسی، تعداد ۱،۳۵۰ و ۲۹۳ نمونه به‌عنوان نشانگر اهمیت مطلب در ارائه‌های علمی انگلیسی و فارسی مشاهده شد.

سپس، این نشانگرهای پیداشده در دو پیکره بیشتر مورد بررسی قرار گرفتند تا از لحاظ نقش در کلام^{۵۶}—سازمان‌دهی کلام^{۵۷}، تعامل با مخاطب^{۵۸}، پوشش موضوع^{۵۹}، وضعیت مطلب^{۶۰}، و ارتباط با امتحان^{۶۱}—دسته‌بندی شوند. در نهایت در مرحله کمی تحقیق، بسامد هر یک از نقش‌های کلامی برای نشانگرهای اهمیت مطالب محاسبه شد.

۳. نتایج و بحث

جدول ۱ بسامد نشانگرهای مطالب مهم را از نظر نقش در کلام در ارائه‌های کلاسی انگلیسی و فارسی نمایش می‌دهد.

جدول ۱. توزیع نشانگرهای مطالب مهم از لحاظ نقش در کلام

ارائه‌های فارسی		ارائه‌های انگلیسی		نقش در کلام
بسامد	درصد	بسامد	درصد	
۸۲	۲۸	۲۷۹	۲۰٫۶۶	سازمان‌دهی کلام
۱۳۴	۴۶	۶۸۵	۵۰٫۷۴	تعامل با مخاطب
۵۹	۲۰	۳۱۸	۲۳٫۵۵	وضعیت مطلب
۷	۲٫۵	۵۵	۴٫۰۵	پوشش موضوع
۱۱	۳٫۵	۱۳	۱	ارتباط با امتحان
۲۹۳	۱۰۰	۱۳۵۰	۱۰۰	مجموع

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، تجزیه و تحلیل ارائه‌های انگلیسی و فارسی پنج نقش کلامی را برای عباراتی که اهمیت مطالب را نشان می‌دهند آشکار ساخت. به‌عبارت‌دیگر، بیان اهمیت مطالب از طریق سازمان‌دهی کلام، تعامل با مخاطب، نشان دادن وضعیت مطلب، پوشش موضوع و ربط دادن به امتحان بیان می‌شود. البته توزیع این نقش‌های کلامی برای نشانگرهای مطالب مهم در ارائه‌های انگلیسی و فارسی متفاوت مشاهده شد.

⁵² lexeme

⁵³ Sketch Engine

⁵⁴ WordSmith

⁵⁵ concordance

⁵⁶ discourse function

⁵⁷ discourse organization

⁵⁸ audience engagement

⁵⁹ topic treatment

⁶⁰ subject status

⁶¹ relating to exam

هر یک از این نقش‌ها در پنج بخش بعدی به‌طور مفصل بحث می‌شود.

۳,۱ تعامل با مخاطب

تعامل با مخاطب به آن دسته از نشانگرها گفته می‌شود که در آن ارائه‌دهنده مخاطب را به بخش‌هایی از کلام سوق می‌دهد. در این دسته از نشانگرها، توجه مخاطب به بخش‌هایی از مطالب جلب می‌شود که از نظر ارائه‌دهنده مهم هستند (۱، ۲ و ۳). این کار معمولاً با استفاده از عبارات فعلی همچون *یادتان باشد*، *توجه کنید*، *فراموش نکنید*، *یادداشت کنید*، *بفهمید*، *یاد بگیرید*، *بدانید*، *به خاطر داشته باشید*، *حفظ کنید*، *یادداشت کنید* و *خط بکشید* صورت می‌گیرد. این دسته از نشانگرها با فرا کلام^{۶۲} مدیریت مطلب^{۶۳} ادل (۲۰۱۰)، و بیان/اهمیت^{۶۴} بیورکمن (۲۰۱۱)، که به انتقال مطالب مهم به مخاطب مربوط هستند یکی هستند.

(1) you need to bear in mind the broader context (lslct001)

(2) I'd like you to learn them (lslct028)

(۳) در اینجا باید توجه کنید که (mslct001)

آنچه درباره این دسته از نشانگرها مهم است این است که آن‌ها بیشتر اهمیت برخی مطالب بصری ارائه‌شده را بیان می‌کنند (۴، ۵). علاوه بر این، برخی از نشانگرهای تعامل با مخاطب در پیکره‌ها پیدا شد که در آن‌ها یک صفت ارزیابی مانند مهم قبل از عبارت فعلی آمده بود (۴). از آنجایی که صفت استفاده‌شده در این عبارات فقط برای توصیف عبارت فعلی آمده است، این دسته از عبارات نیز به‌عنوان نشانگر تعامل با مخاطب دسته‌بندی شدند.

(4) that's actually quite important to know (sslct032)

(۵) دورشو خط بکشید (eslct002)

همان‌طور که در جدول ۱ نمایان است، نشانگرهای تعامل با مخاطب هم در ارائه‌های انگلیسی و هم در ارائه‌های فارسی بیشترین شمار را به خود اختصاص دادند. این یافته با نتایج ادل (۲۰۱۰)، زارع و توکلی (زیر چاپ)، و بیورکمن (۲۰۱۱) که فرا کلام مدیریت مطلب و بیان/اهمیت را در زبان شفاهی بسیار پرتکرار مشاهده کردند، هم سو است. پرتکراری این نوع نشانگرها را می‌توان بدین معنی دانست که ارائه‌دهندگان دانشگاهی بیشتر تمایل دارند برای بیان مفهوم اهمیت با درگیر کردن مخاطب در کلام از تعامل با مخاطب استفاده کنند.

استفاده از این نوع نشانگرها برای بیان اهمیت مطلب به نفع مخاطب است. دیروی و تاورنیرز (۲۰۱۲) خاطر نشان می‌کنند، استفاده از چنین نشانگرهایی منجر به پردازش کارآمد مطالب ارائه توسط دانش آموزان است. این مسئله به این دلیل است که در بیشتر نشانگرها مطلب مهم پس از عبارت بیانگر اهمیت می‌آید. (۶). در نتیجه، این عبارت از قبل اهمیت مطالبی که قرار است بیان شود را به اطلاع مخاطب می‌رسانند.

(۶) دقت کنید، من نمی‌خوام بگم (hslct002)

۳,۲ سازمان‌دهی کلام

در سازمان‌دهی کلام، مطالب موجود در ارائه به بخش‌های مهم، مطالب کم‌اهمیت و مسائل جانبی تقسیم می‌شود. در این دسته نشانگرها تنها عباراتی که مطالب مهم و نکات اصلی ارائه را برجسته می‌کردند بررسی شدند. قاعدتاً عباراتی که مسائل جانبی و

⁶² metadiscourse

⁶³ 'managing the message'

⁶⁴ 'signaling importance'

کم‌اهمیت^{۶۵} ارائه را نشان می‌دهند در دسته نشانگرهای مطالب مهم قرار نمی‌گیرند. سازمان‌دهی کلام معمولاً با استفاده از اسامی همچون نکته، مسئله، چیز، ایده، مطلب، تمرکز، پیام، درس اخلاقی و حقیقت امر صورت می‌گیرد (۷، ۸ و ۹). این اسم‌ها را با عنوان اسامی فرازبانی^{۶۶} (کرافورد کمیسیون، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷) و اسامی اشاره^{۶۷} (فلاوردو، ۲۰۰۳) می‌شناسند. از بین این اسامی، کلمه نکته به ترتیب ۹۰٪ و ۸۶٪ از نشانگرهای سازمان‌دهی کلام را در ارائه‌های انگلیسی و فارسی به خود اختصاص داد.

(7) the message from that slide really is that (pslct006)

(8) so the idea today is that (ahlct006)

(۹) یہ نکتہ/ی کہ اینجا هست اینہ کہ (hslct001)

در برخی از نشانگرهای سازمان‌دهی کلام عباراتی مشاهده شد که در آن‌ها بعد از اسم فرازبانی یک فعل همچون به یاد داشته باشید، توجه داشته باشید و یاد بگیرید هم آمده بود (۱۰، ۱۱). ما می‌توانستیم این عبارات را به‌عنوان نشانگر تعامل با مخاطب هم دسته‌بندی کنیم. با این حال، از آنجایی که این عبارات بیشتر با نکات ارائه سروکار داشتند، آن‌ها را در دسته سازمان‌دهی کلام قرار دادیم.

(10) the second lesson to learn about this type of structure is that (pslct023)

(11) so the first point to note is (pslct005)

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، از نظر شمار سازمان‌دهی کلام به ترتیب دومین و سومین رتبه را در بین نشانگرهای اهمیت مطالب در ارائه‌های فارسی و انگلیسی داشت. بسامد بالای سازمان‌دهی کلام به‌عنوان یکی از روش‌های بیان اهمیت مطالب ارائه را می‌توان به پرشماری کلمه نکته که خود نشان‌دهنده نظام نکته محور ارائه علمی است (اولسن و هاکین، ۱۹۹۰)، نسبت داد.

۳،۳ وضعیت مطلب

نشانگرهای وضعیت مطلب با ارزیابی موضوعات و مطالب به‌صراحت آن‌ها را مهم، کم‌اهمیت و یا بی‌ربط جلوه می‌دهند. نشانگرهای این دسته اهمیت و ارتباط را با استفاده از صفات ارزیابی (۱۲، ۱۳) و قیدها (۱۴، ۱۵) بیان می‌کنند.

(12) the only two important clinical features I've listed there (lslct033)

(۱۳) این خیلی مهمه (eslct003)

(14) rhinoviruses and more importantly it adapts to the challenge (lslct036)

(۱۵) مهم‌تر اینہ کہ این استراتژی (hslct002)

نمونه‌هایی از صفات و قیود ارزیابی استفاده‌شده برای تفکیک نکات مهم از مطالب کم‌اهمیت یا غیر مهم عبارت‌اند از: مهم‌تر از همه، اساساً، در اصل، مهم، ضروری، لازم، اساسی، اصلی، کلیدی، جالب، اولیه، قابل‌توجه و خوب. در این میان، مهم در ۳۹٪ نشانگرهای وضعیت مطلب مشاهده شد و از سایرین پرتکرارتر بود. پرشماری مهم از سایر قیود و صفات ارزیابی استفاده‌شده برای بیان اهمیت در ارائه‌های انگلیسی و فارسی با یافته‌های بایبر، جوانسون، لیچ، کانراد و فینگان (۱۹۹۹) و سوویلز و برک (۲۰۰۳) که وجود کلمه مهم را از ویژگی‌های زبان دانشگاهی یافتند هم سو است.

در برخی از نشانگرهای وضعیت مطلب اسامی فرازبانی همچون سؤال و چیز نیز علاوه بر زبان ارزیابی مشاهده شد (۱۶، ۱۷). از آنجایی که این اسامی فرازبانی به‌خودی‌خود بیانگر اهمیت نیستند و برای برجسته نمودن مطالب به وجود زبان ارزیابی نیاز دارند، این عبارت در دسته نشانگرهای وضعیت مطلب دسته‌بندی شدند.

⁶⁵ asides

⁶⁶ metalinguistic nouns

⁶⁷ signaling nouns

(16) the essential questions that I want to address in talking about (pslct012)

(۱۷) چیزی که مهمه این وسط اینه که (bslct005)

از نظر شمار نشانگرهای وضعیت مطلب به ترتیب دومین و سومین جایگاه را در ارائه‌های انگلیسی و فارسی داشتند.

۳,۴ پوشش موضوع

پوشش موضوع به آن دسته از نشانگرهای اهمیت مطلب اطلاق می‌شود که به میزان توجه ارائه‌دهنده به موضوعات در هنگام پوشش آن‌ها اشاره می‌کنند. نشانگرهای پوشش موضوع مشخص می‌کنند چه موضوعاتی و یا جنبه‌هایی از آن‌ها به صورت مفصل، خلاصه، یا محدود پوشش داده می‌شوند و یا اصلاً توضیح داده نمی‌شوند. نشانگرهایی که در این مطالعه در این دسته مورد بررسی قرار گرفتند آن‌هایی هستند که نشان می‌دهند چه موضوعاتی بایستی با ذکر جزئیات و به طور مفصل توضیح داده شوند (۱۸، ۱۹).

(18) I shall be looking at in detail at the balance of power (sslct018)

(۱۹) اینو باید مفصل توضیح بدم (eslct002)

آنچه پیرامون نشانگرهای پوشش موضوع مهم است این است که آن‌ها اهمیت را به طور آشکارا بیان نمی‌کنند. در این دسته نشانگرها اهمیت مطالب به صورت تلویحی بیان می‌گردد. تعبیر این عبارات به عنوان نشانگرهای اهمیت مطلب مبتنی بر این باور است که با توجه به زمان محدود ارائه‌ها و ازدیاد مطالبی که بایستی در آن‌ها توضیح داده شوند، تنها مطالب مهم است که به صورت گسترده و با ذکر جزئیات مورد بحث قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، مطالبی که مهم نیستند، یا اصلاً توضیح داده نمی‌شوند یا ارائه‌دهنده خیلی خلاصه از آن‌ها عبور می‌کند.

از نشانگرهای پوشش موضوع بسیار به ندرت برای بیان اهمیت در ارائه‌های انگلیسی و فارسی استفاده شده‌اند. کم تکراری این دسته از نشانگرها را می‌توان به این واقعیت که در هر ارائه معمولاً تنها چند موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد نسبت داد. علاوه بر این، اطلاعات مربوط به این که چه موضوعاتی در طول ترم پوشش داده می‌شود یا نمی‌شود معمولاً در جلسات آغازین هر ترم بحث می‌شود. حال از آنجایی که ما مطمئن نیستیم که ارائه‌های گنجانده شده در پیکره‌های سخن و بیس از ارائه‌های آغازین ترم هستند یا خیر، نمی‌توانیم نادر بودن این گروه از نشانگرها را توضیح دهیم.

۳,۵ ارتباط با امتحان

ارتباط با امتحان به آن دسته از عباراتی اطلاق می‌گردد که با ربط دادن مطلب مورد بحث به امتحان میزان اهمیت آن را بیان می‌کند. در این دسته از نشانگرها ارائه‌دهنده با بیان مطالبی که به احتمال زیاد از آن‌ها در امتحان سؤال می‌آید اهمیت را می‌رساند (۲۰، ۲۱ و ۲۲). در کلیه نشانگرهای این دسته کلمات /آزمون یا/ امتحان به چشم می‌خورد.

(۲۰) سؤال امتحان همینیه (hslct001)

(21) it's something we can sort of ask exam questions on (pslct011)

(22) it is something that you can be examined on (lslct014)

همان‌طور که جدول ۱ نمایش می‌دهد، نشانگرهای ارتباط با امتحان بسیار به ندرت در دو پیکره یافت شدند. همان‌طور که می‌دانیم اطلاعات مربوط به امتحان پایان ترم و آنچه در آن مهم است معمولاً در جلسه اول هر ترم داده می‌شود. از آنجایی که ما نمی‌دانیم ارائه‌های درج شده در پیکره‌های سخن و بیس از ارائه‌های ابتدایی ترم هستند یا خیر، نمی‌توان نادر بودن این دسته از نشانگرها را توضیح داد. البته، باید یادمان باشد که مشخص کردن اینکه دقیقاً چه مطالبی در امتحان ارزیابی می‌شوند یا نمی‌شوند می‌تواند باعث نادیده گرفتن مطالبی شود که به عنوان دانش نظری یک رشته ضروری هستند ولی به دلیل محدود بودن تعداد

سؤال‌های امتحان معمولاً در امتحان پایان‌ترم نمی‌آیند. به عبارت دیگر، در صورت استفاده مکرر اساتید دانشگاه از این دسته نشانگرها برای بیان اهمیت، تنها مطالبی که از آن‌ها در امتحان سؤال می‌آید توسط اساتید بحث شده و دانشجویان فقط خود را مکلف به مطالعه این مطالب می‌کنند که خود امری مضر برای آموزش عالی است.

۴. نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر مبتنی بر این باور بود که دانش چگونگی بیان اهمیت مطالب در ارائه‌های علمی می‌تواند باعث سهولت پردازش و یادداشت‌برداری هم‌زمان مطالب متراکم ارائه‌ها توسط مخاطب شود. با توجه به شیوه پیکره محور آن و این حقیقت که در تجزیه و تحلیل آن تنها عبارات شفاهی مورد بررسی قرار گرفت، از هرگونه نتیجه‌گیری کلی بایستی اجتناب نمود. با این حال، این مطالعه نتایج مهمی دربر داشت که ارزش بیان کردن را دارا می‌باشند.

اولاً، این مطالعه نشان داد، صرف‌نظر از زبان، انگلیسی یا فارسی، بیان اهمیت در ارائه‌های علمی به پنج روش صورت می‌گیرد: (۱) سازمان‌دهی کلام یا مرزبندی بین مطالب مهم و غیر مهم، (۲) تعامل با مخاطب یا سوق دادن مخاطب به بخش‌هایی از کلام که بایستی مورد توجه قرار بگیرد، (۳) پوشش موضوع یا بیان اینکه چه بخش‌هایی مفصل و گسترده یا خلاصه و اجمالی توضیح داده می‌شود، (۴) وضعیت مطلب یا ارزیابی مطالب ارائه منطبق بر یک سلسله‌مراتب از اهمیت و (۵) ارتباط با امتحان یا بیان مطالبی که حتماً در امتحان از آن‌ها سؤال می‌شود. دوماً، نتایج نشان داد هرکدام از این نشانگرها لزوماً به صورت جداگانه استفاده نمی‌شوند. مواردی پیدا شد که در آن‌ها از ترکیبی از موارد بالا برای بیان اهمیت مطلب استفاده شده بود (به عنوان مثال، نکته مهمی که باید توجه داشته باشید این است که). سوماً، بیان اهمیت در برخی از موارد به صورت ضمنی اتفاق می‌افتد. نتایج نشان داد نشانگرهای پوشش موضوع اهمیت را به طور ضمنی نشان می‌دهند. در نهایت، یافته‌ها نشان داد نشانگرهای تعامل با مخاطب بر سایر نشانگرهای اهمیت مطلب در ارائه‌های انگلیسی و فارسی غالب هستند.

در کل، نتایج حاصل از این مطالعه را می‌توان این‌طور تعبیر کرد که ارائه‌دهنده‌ها مایل‌اند در سخنرانی‌هایشان با مخاطب تعامل داشته باشند. بدین معنی که، ارائه‌دهنده‌ها فقط به فکر این نیستند که دانش نظری خود را ارائه دهند و به تفسیر مخاطب از اهمیت مطالب ارائه‌شده اهمیت ندهند. در عوض، با درگیر کردن مخاطب، و ارائه اطلاعات به شیوه‌ای که از قبل برنامه‌ریزی برای پردازش و یادداشت‌برداری هم‌زمان مطالب را برای مخاطب ممکن می‌سازد سعی می‌کند اطمینان حاصل نماید به مطالب مهمی که ارائه می‌دهد توجه کافی می‌شود.

ازلحاظ نظری، از نقش‌های کلامی و مثال‌هایی که از نشانگرهای اهمیت مطلب در این مطالعه پیدا شد می‌توان به عنوان پایه و اساس پژوهش‌های تطبیقی برای بررسی چگونگی بیان اهمیت در دیگر سبک‌ها همچون همایش‌های علمی و مقالات منتشر شده در مجلات علمی استفاده نمود. از لحاظ آموزشی، با این فرض که آموزش این نشانگرها باعث افزایش درک مخاطبان از ارائه‌های علمی انگلیسی و فارسی می‌شود، از نتایج این تحقیق می‌توان برای تولید مواد آموزشی در زمینه مهارت شنیداری، تربیت مدرس و برای طراحی دوره‌های آموزشی شیوه ارائه استفاده کرد.

برای مطالعات آینده، بررسی چگونگی بیان اهمیت در دیگر سبک‌ها ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، مطالعات بیشتری پیرامون شیوه بیان اهمیت در دیگر فرهنگ‌های دانشگاهی می‌توان انجام داد. در این زمینه، رشته دانشگاهی و سطح دانشگاهی نیز مرتبط به نظر می‌رسد.

منابع

- زارع، جواد، عباس اسلامی راسخ و عزیزالله دباغی (پذیرفته شده). «این نکته‌ای که من می‌خوام اینجا دقت کنید»: برجسته کردن نکات مهم در ارائه‌های علمی فارسی». *زبان پژوهی*.
- Ädel, A. (2010). Just to give you kind of a map of where we are going: a taxonomy of metadiscourse in spoken and written academic English. *Nordic Journal of English Studies* 9(2), 69–97.
- Biber, D. (2006). *University language: A corpus-based study of spoken and written registers*. Amsterdam: John Benjamins.
- Biber, D., Johansson, S., Leech, G., Conrad, S., & Finegan, E. (1999). *Longman grammar of spoken and written English*. London: Longman.
- Björkman, B. (2011). The pragmatics of English as a lingua franca in the international university: Introduction. *Journal of Pragmatics*, 43(4), 923–925. doi:10.1016/j.pragma.2010.08.015
- Bondi, M. (2008). Emphatics in academic discourse: Integrating corpus and discourse tools in the study of cross-disciplinary variation. In A. Ädel & R. Reppen (Eds.), *Corpora and discourse: The challenges of different settings* (pp. 31–55). Amsterdam: John Benjamins.
- Brown, G., & Bakhtar, M. (1988). Styles of lecturing: A study and its implications. *Research Papers in Education*, 3(2), 131–153. doi:10.1080/0267152880030204
- Chaudron, C., & Richards, J. C. (1986). The effect of discourse markers on the comprehension of lectures. *Applied Linguistics*, 7(2), 113–127. doi:10.1093/applin/7.2.113
- Conrad, S. (2004). Corpus linguistics, language variation, and language teaching. In J. Sinclair (Ed.), *How to use corpora in language teaching* (pp. 67–88). Amsterdam: John Benjamins.
- Crawford Camiciottoli, B. (2004). Audience-oriented relevance markers in business studies lectures. In G. Del Lungo Camiciotti & E. Tognini Bonelli (Eds.), *Academic discourse: Linguistic insights into evaluation* (pp. 81–97). Bern: Peter Lang.
- Crawford Camiciottoli, B. (2007). *The language of business studies lectures*. Amsterdam: John Benjamins.
- DeCarrico, J., & Nattinger, J. R. (1988). Lexical phrases for the comprehension of academic lectures. *English for Specific Purposes*, 7(2), 91–102. doi: 10.1016/0889-4906(88)90027-0
- Deroey, K. L. B. (2014). 'Anyway, the point I'm making is': Lexicogrammatical relevance marking in lectures. In V. Lieven, K. Davidse, C. Gentens & D. Kimps (Eds.), *Recent advances in corpus linguistics: Developing and exploiting corpora* (pp. 265–291). Amsterdam: Rodopi.
- Deroey, K. L. B. (2015). Marking importance in lectures: Interactive and textual orientation. *Applied Linguistics*, 36(1), 51–72. doi:10.1093/applin/amt029
- Deroey, K. L. B., & Taverniers, M. (2011). A corpus-based study of lecture functions. *Moderna Språk*, 105(2), 1–22.

- Deroey, K. L. B., & Taverniers, M. (2012). Just remember this: Lexicogrammatical relevance markers in lectures. *English for Specific Purposes*, 31(4), 221–233. doi:10.1016/j.esp.2012.05.001
- Duszak, A. (1997). Cross-cultural academic communication. A discourse-community view. In A. Duszak (Ed.), *Culture and styles of academic discourse* (pp. 11–39). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Flowerdew, J. (1994). Research of relevance to second language lecture comprehension: An overview. In J. Flowerdew (Ed.), *Academic listening: Research perspectives* (pp. 7–29). Cambridge: Cambridge University Press.
- Flowerdew, J. (2003). Signalling nouns in discourse. *English for Specific Purposes*, 22(4), 329–346. doi:10.1016/S0889-4906(02)00017-0
- Heino, A., Tervonen, E., & Tommola, J. (2002). Metadiscourse in academic conference presentations. In E. Ventola, C. Shalom, & S. Thompson (Eds.), *The language of conferencing* (pp. 127–146). Bern: Peter Lang.
- Hunston, S. (1994). Evaluation and organization in a sample of written academic discourse. In M. Coulthard (Ed.), *Advances in written text analysis* (pp. 191–218). London: Routledge.
- Kiewra, K. A. (2002). How classroom teachers can help students learn and teach them how to learn. *Theory into Practice*, 41(2), 71–80. doi:10.1207/s15430421tip4102_3
- Lee, J. J. (2009). Size matters: an exploratory comparison of small-and large-class university lecture introductions. *English for Specific Purposes*, 28(1), 42–57. doi:10.1016/j.esp.2008.11.001
- Lin, C. Y. (2010). '... that's actually sort of you know trying to get consultants in...': Functions and multifunctionality of modifiers in academic lectures. *Journal of Pragmatics*, 42(5), 1173–1183. doi:10.1016/j.pragma.2009.10.001
- Lodico, M. G., Spaulding, D. T. & Voegtle, K. H. (2006). *Methods in educational research from theory to practice*. San Francisco, CA: John Wiley & Sons.
- Lynch, T. (1994). Training lecturers for international audiences. In J. Flowerdew (Ed.), *Academic listening: Research perspectives* (pp. 269–289). Cambridge: Cambridge University Press.
- Lynch, T. (2004). *Study listening: a course in listening to lectures and note taking*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lynch, T. (2011). Academic listening in the 21st century: Reviewing a decade of research. *Journal of English for Academic Purposes*, 10(2), 79–88. doi:10.1016/j.jeap.2011.03.001
- McKeachie, W. J. (1994). *Teaching tips: Strategies, research, and theory for college and university teachers*. Lexington: Heath and Co.
- Mulligan, D., & Kirkpatrick, A. (2000). How much do they understand? Lectures, students and comprehension. *Higher Education Research and Development*, 19(3), 311–335. doi:10.1080/758484352

- Nesi, H. (2001). A corpus-based analysis of academic lectures across disciplines. In J. Cotterill, & A. Ife (Eds.), *Language across boundaries. BAAL, Vol. 16* (pp. 201–218). London: Continuum.
- Olsen, L. A., & Huckin, T. H. (1990). Point-driven understanding in engineering lecture comprehension. *English for Specific Purposes, 9*(1), 33–47. doi:10.1016/0889-4906(90)90027-A
- Revell, A., & Wainwright, E. (2009). What makes lectures ‘unmissable’? Insights into teaching excellence and active learning. *Journal of Geography in Higher Education, 33*(2), 209–223. doi:10.1080/03098260802276771
- Scott, M. (2015). *WordSmith Tools version 6*. Stroud: Lexical Analysis Software.
- Siepmann, D. (2005). *Discourse markers across languages: A contrastive study of second-level discourse markers in native and non-native text with implications for general and pedagogic lexicography*. New York: Routledge.
- Simpson, R. (2004). Stylistic features of academic speech: The role of formulaic expressions. In U. Connor & T. A. Upton (Eds.), *Discourse in the professions: Perspectives from corpus linguistics* (pp. 37–64). Amsterdam: John Benjamins.
- Sutherland, P., & Badger, R. (2004). Lecturers’ perceptions of lectures. *Journal of Further and Higher Education, 28*(3), 277–289. doi:10.1080/0309877042000241751
- Swales, J. M., & Burke, A. (2003). “It’s really fascinating work”: Differences in evaluative adjectives across academic registers. In P. Leistyna & C. F. Meyer (Eds.), *Corpus analysis: Language structure and language use* (pp. 1–18). Amsterdam: Rodopi.
- Thompson, G., & Hunston, S. (2000). Evaluation: an introduction. In S. Hunston & G. Thompson (Eds.), *Evaluation in text: Authorial stance and the construction of discourse* (pp. 1–27). Oxford: Oxford University Press.
- Thompson, S. E. (2003). Text-structuring metadiscourse, intonation and the signaling of organization in academic lectures. *Journal of English for Academic Purposes 2*(1), 5–20. doi:10.1016/S1475-1585(02)00036-X
- Titsworth, B. S., & Kiewra, K. A. (2004). Spoken organizational lecture cues and student note taking as facilitators of student learning. *Contemporary Educational Psychology, 29*(4), 447–461. doi:10.1016/j.cedpsych.2003.12.001
- Tyler, A. (1992). Discourse structure and the perception of incoherence in international teaching assistants’ spoken discourse. *TESOL Quarterly, 26*(4), 713–729. doi:10.2307/3586870
- Williams, R. L., & Eggert, A. C. (2002). Notetaking in college classes: student patterns and instructional strategies. *The Journal of General Education, 51*(3), 173–199. doi:10.1353/jge.2003.0006
- Young, L. (1994). University lectures: Macro-structure and micro-features. In J. Flowerdew (Ed.), *Academic listening: Research perspectives* (pp. 159–176). Cambridge: Cambridge University Press.
- Zare, J., & Tavakoli, M. (in press). The use of personal metadiscourse over monologic and dialogic modes of academic speech. *Discourse Processes*. doi:10.1080/0163853X.2015.1116342